

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال نهم شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۶ (صص ۲۶-۹)

بررسی تطبیقی پایان جهان در اسطوره‌های ایران، هند و اسکانندیناوی

۱- مهدی احمدی

۲- سید کاظم موسوی

چکیده

وجود پایانی برای هستی، از مهمترین درگیری‌های ذهنی انسان است. این دغدغه ذهنی، به نوعی در اسطوره‌ها نمود یافته است. بررسی نگرش به پایان جهان در اسطوره‌های ایران، هند و اسکانندیناوی، محور اصلی این پژوهش است. در این بررسی فرض بر این است با وجود تفاوت‌های ظاهری، این سه اسطوره اغلب دارای ساختار و بن‌مایه‌های مشترکی هستند. باور به دوری بودن آفرینش اساس وجود قیامت در هر سه اسطوره است؛ آفرینش از یک نقطه شروع می‌شود، از عصری طلایی عبور می‌کند و در طول زمان، به فرتوتی دچار می‌شود. خدایان با از بین بردن جهان فرتوت، جهانی نو و تازه می‌آفرینند. این فرتوتی در ایران به کامل شدن آفرینش منتهی می‌شود، در هند باعث از بین رفتن همه چیز و خلق دوباره کاینات می‌شود. در اسکانندیناوی، با از بین رفتن جهان و خدایان، دو انسان نجات می‌یابند و نسل جدید بشر، هستی می‌یابد. چرخه مرگ و آفرینش چرخه‌ای دایمی است و پایان جهان، پایان آفرینش نیست. در پایان جهان، با رسیدگی به اعمال انسان، بر دوری بودن این چرخه تأکید می‌شود. در این تحقیق کلیت اسطوره‌ها به صورت تحلیلی مقایسه‌ای بررسی شد و شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص گردید.

کلیدواژه‌ها: ایران، هند، اسکانندیناوی، اسطوره، پایان جهان

Email: ahmady.me@iran.ir

۱- دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)

Email: mousavikazem@yahoo.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۹

۱- مقدمه

اعتقاد به وجود پایان برای آفرینش فعلی و آغاز آفرینشی دوباره، برگرفته از اعتقاد به چرخشی بودن تاریخ جهان است. در آغاز آفرینش، همه چیز در کمال قرار دارد اما هر چه پیش می‌رود انسان از وظایف خود عدول می‌کند و به جایی می‌رسد که خدا، چاره را در نابودی و آغازی جدید می‌بیند. همگانی بودن این اندیشه، فارغ از نوع نژاد و سرزمین، در اسطوره‌ها نمود یافته است. اسطوره‌های ایران، اسکانندیناوی و هند، نوعی قیامت و پایان عمومی برای آفرینش در نظر گرفته‌اند. این پایان، حرکت دوری آفرینش را کامل می‌کند. بعد از قیامت، هر سه اسطوره، آغازی دیگر برای جهان در نظر گرفته‌اند و شروع عصر طلایی را به قوم خویش وعده داده‌اند. الیاده (Eliade) نیز بر این نکته تأکید دارد. دو ویژگی از هستی‌شناسی آغازین الیاده قابل توجه است؛ «زمان گردشی دایره‌وار دارد و پیاپی به منزلگاه نخست خود باز می‌گردد و دیگری، هستی جهان متکی بر ادوار کیهانی است و در پایان هر دور، دوباره جهانی نو آفریده می‌شود.» (الیاده، به نقل از ترقی؛ ۱۳۷۰: ۴۲) چون آفرینش و جهان هستی در محدوده زمان قرار دارد حرکتی دایره‌وار دارد. وارنر (Warner) تأکید دارد که «وجود پایانی برای جهان از درون‌مایه‌های مشترک در اسطوره‌های جهان است.» (وارنر؛ ۱۳۸۹: ۵۶) از این پایان اغلب در متون دینی با عنوان قیامت و رستاخیز یاد می‌شود.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

تمدن‌های ایران و هند از کهن‌ترین تمدن‌های جهان هستند. در اسطوره‌های این دو قوم اشتراکات زیادی دیده می‌شود. «دلیل اشتراکات فراوان در فرهنگ و ادبیات، هم‌زیستی این دو قوم در خاستگاه کهن مشترک خود، در گذشته‌های دوره بوده است.» (بارانی، خانی‌سومار؛ ۱۳۹۲: ۹) اسطوره‌های این دو قوم «تحت تأثیر محیط جغرافیایی و اقوام بومی ساکن در این دو سرزمین تحولات زیادی یافته‌اند.» (بهار؛ ۱۳۹۰: ۴۰۳) اما در ریشه‌ها، اشتراکات بسیاری دارند. در اسطوره‌های ژرمنی، اسطوره‌ای برای پایان جهان وجود دارد که این روایت اسطوره‌ای «در باب پیکار در آخر زمان، از هر جهت همانند روایت قرینه هندی و ایرانی آن است.» (الیاده؛ ۱۳۸۶: ۶۸) دلیل این همانندی و اشتراکات را الیاده «از تأثیرات معتقدات شرقی بر اساطیر ژرمنی» می‌داند. (همان؛ ۱۳۹۰: ۱۲۱) دومزیل (Dumezil) نیز، معتقد است «اقوام هندو اروپایی از میراثی مشترک بهره‌مندند، زیرا در اوائل هزاره دوم پیش از مسیح با تمدن‌های پیشرفته مدیترانه‌ای ارتباطی عمیق داشتند.» (صانع‌پور؛ ۱۳۹۰: ۲۶).

تاکنون اسطوره‌ها را از زوایای مختلف نظری (مانند روانشناختی، ساختارگرایی، مردم‌شناختی) مطالعه کرده‌اند. این تحقیقات جملگی بر این باورند که اسطوره‌ها دارای ظرفیت نشانه‌شناختی و ماهیت مفهومی هستند. آنچه در این میان قابل تامل است این واقعیت می‌باشد که تعبیراتی که از اسطوره‌ها در بافت‌های اجتماعی و تاریخی مختلف می‌شود متفاوت است، ولی علی‌رغم این تفاوت‌ها، بسیاری از عوامل بنیادین در ساختار اسطوره از فرهنگ به فرهنگ دیگر تغییر نمی‌کند و کاملاً پابرجاست.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

چندین اسطوره برای جهان یک پایان کلی هم در نظر گرفته‌اند. ایران، هند، مصر، فون، اسکاندیناوی، پاونی، مودوک، اینکا، آزتک و مایا از این جمله‌اند. در اسطوره‌های مصر و فون این اتفاق با تردید همراه است. اما در دیگر اسطوره‌ها این اتفاق حتمی است؛ گویی انحطاط، چنان جهان را فرا می‌گیرد که برای آفریننده راهی جز از بین بردن همه جهان باقی نمی‌ماند. اما این اتفاق پایانی، پایان جهان نیست بلکه سرآغازی برای شروع یک عصر طلایی است. در این بررسی فرض بر این است با وجود تفاوت‌های ظاهری، این سه اسطوره اغلب دارای ساختار و بن‌مایه‌های مشترکی هستند. همچنین چرخه مرگ و آفرینش چرخه‌ای دایمی است و پایان جهان، پایان آفرینش نیست. در پایان جهان، با رسیدگی به اعمال انسان، بر دوری بودن این چرخه تأکید می‌شود. این اسطوره‌ها به دو صورت به وجود آمده‌اند؛ در مقایسه با آفرینش و آغاز جهان و دیگر رویکرد فلسفی به آن، اما در کل همان‌گونه که «کار خدایی آفرینش دور از افق تاریخ است و تنها با زبان اسطوره می‌توان از آن سخن گفت، بنابراین از کار خدایی که تاریخ را به پایان می‌برد نیز تنها می‌توان به همین زبان به سخن درآید». (هوک؛ ۱۳۹۱: ۱۳)

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

مقاله حاضر بر آن است که با بررسی تطبیقی سه اسطوره، وجود اشتراکات و تفاوت‌ها را مشخص کند و به چرایی شباهت‌ها بپردازد. از آنجا که مبنای کار بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای اساطیر است در ابتدا با توجه به ویژگی این نوع تحلیل شاخص‌های مورد نظر استخراج می‌شوند. با مطالعه اساطیر این شاخص‌ها در آن‌ها بررسی می‌شود. با مشخص کردن اجزای سازنده‌ی این نوع اساطیر،

مطالعه و بررسی تطبیقی قدم بعدی این تحقیق خواهد بود. با معلوم شدن نقاط اشتراک و افتراق به بررسی چرایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱- پیشینه تحقیق

کار تحقیقی مستقلی برای مقایسه این سه اسطوره صورت نگرفته است. اما از تحقیقاتی که به صورت کلی به این مبحث پرداخته‌اند می‌توان به کار رضایی اشاره کرد. کتاب «آفرینش و مرگ در اساطیر» نوشته مهدی رضایی یکی از تحقیقات شاخص در این زمینه است که به صورت تخصصی به مقوله آفرینش و مرگ در اسطوره‌ها می‌پردازد. بخشی از این کتاب، مربوط به بررسی اسطوره‌ها و باورهای مربوط به پایان جهان است. در این بخش گفته شده است که بعضی ملت‌ها برای جهان، پایانی قائل هستند که پس از آن زندگی و حیاتی متصور نیست. برخی از ملت‌ها، پایان جهان را با ظهور یک منجی همراه می‌دانستند که پس از اصلاحات او، جهان به کمال خود می‌رسد. (ر.ک. رضایی؛ ۱۳۸۴: ۲۷۱)

۲- بحث

اندیشه انسان درباره سرنوشت خود، فقط متعلق به دوران‌های آغازین تمدن بشری نبوده است، این اندیشه، از دغدغه‌های انسان امروزی نیز هست. سؤال‌هایی در مورد سرنوشت خود و جهان، یک چالش همگانی و همه‌جایی است. سه اسطوره ایران، هند و اسکانداوی، در جواب به این سؤال‌ها اشتراکات زیادی دارند. در ابتدا خلاصه‌ای از اتفاق پایانی جهان در این سه اسطوره بیان می‌شود، سپس شاخص‌های مهم هر اسطوره در جدولی جداگانه دسته بندی می‌گردد و با قرار دادن مشترکات در جدولی دیگر، به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲- پایان جهان در اسطوره‌ها

۱-۱-۲- پایان جهان در اسطوره ایران

در اسطوره ایران، تاریخ جهان دوازده هزار سال به طول می‌کشد. آخرین دوره تاریخ، به چهار دوره کوتاه‌تر تقسیم می‌شود و نماد هر کدام از آن‌ها یکی از فلزات است: زر، سیم، روی و آهن. آهن نماد دوره کنونی است در این دوره دین رو به تنزل است. در دوره آهن، زرتشتیان منتظر آمدن سه منجی هستند. با ظهور هر منجی، جهان رو به کمال حرکت می‌کند و به وضع بهشتی نزدیک می‌شود.

با آمدن آخرین منجی، پیروزی کامل و نهایی خیر نیز فرا خواهد رسید. بیماری و مرگ و شکنجه و آزار، مغلوب خواهند شد، گیاهان دائماً شکوفا خواهند بود و آدمی فقط غذاهای معنوی خواهد خورد. جهان در آن زمان برای آخرین بار بازسازی خواهد شد. سوشیانس مردگان را برخواهد انگیخت. مردمان به سوی داوری واپسین پیش خواهند رفت. این رویداد، پایان جهان نیست بلکه نوعی بازسازی یا بازآرایی جهان است. جهان به هیأت پیشین خود، پیش از حمله اهریمن، باز می‌گردد و آفرینش کامل می‌شود.

جدول شماره (۱) پایان جهان در اسطوره ایران

فرایند	گزارش فرایند
دوره‌های تاریخ جهان	دوازده‌هزار سال بودن تاریخ جهان؛ تقسیم آن به چهار دوره سه هزار ساله. (کمبل؛ ۱۳۸۱: ۲۷)
	تقسیم آخرین دوره به چهار دوره کوتاه‌تر: (۱) دوره زر، «دین بهی» به زرتشت الهام شد، (۲) دوره سیم، شاه حامی او دین را پذیرفت، (۳) دوره روی، دوران ساسانی، (۴) دوره آهن، دوره کنونی که دین رو به تنزل است.
علائم ظهور منجی اوّل	ظهور سه منجی در دوره آخر. (هینلز؛ ۱۳۸۷: ۱۰۲)
علائم ظهور منجی اوّل	پربشانی زندگی اجتماعی، وقوع بلاهای طبیعی، فرا گرفتن جنگ
نشانه تولّد منجی اوّل	بارش ستارگان، از حرکت ایستادن خورشید برای ده روز. (همان؛ ۱۰۳)
وضعیت جهان بعد از ظهور	حاکم شدن وضعیتی بهشتی
	نابودی بخشی از آفریدگان اهریمن، با این همه، بازسازی جهان کامل نیست. بدی هنوز هست. (همان؛ ۱۰۴)
علائم ظهور منجی دوم	فرا رسیدن زمستان سخت، نابودی بخش اعظمی از موجودات با برف و تگرگ، پیروزی خیر بر شر، پرجمعیت شدن جهان، از بین رفتن بیماری‌های کشنده، وقوع مرگ تنها به خاطر پیری یا قتل.
نشانه تولّد	بی‌حرکت ماندن خورشید برای بیست روز
وضعیت جهان بعد از ظهور	نابودی بخش از آفریده‌های اهریمن، گیاه‌خوار شدن آدمی، نزدیک‌تر شدن جهان به وضع بهشتی
علائم ظهور منجی سوم	ظهور شر به صورت ضحاک، نابودی یک سوم بشر و حیوان به دست او، آزار رسیدن به عناصر خوب یعنی به آتش و آب و گیاه، ظهور گرشاسب و شکست ضحاک، اوج گرفتن نیکی.
وضعیت جهان بعد از ظهور	پیروزی کامل و نهایی خیر، مغلوب شدن مرگ و بیماری، شکوفایی دائمی گیاهان، انسان و خوردن غذای معنوی، بازسازی کامل جهان، برانگیختن مردگان، داوری مردگان، (همان؛ ۱۰۶) مجازات گناه‌کاران و نیکوکاران، تلفیق کاملی از روح و ماده، بازآرایی جهان و برگشت آن به پیش از حمله اهریمن (همان؛ ۱۰۷)

۲-۱-۲- پایان جهان در اسطوره هند

در اسطوره‌های هندی، نه آفرینش آغاز حیات است و نه، ویرانی پایان آن. آفرینش به چهار دوره تقسیم می‌شود. چرخه چهار دوره «مهایوگا» (Mahayuga) نامیده می‌شود. دوره پایانی این چرخه، دوره «کالی یوگا» (Kali Yoga، دوره انحطاط)، همین زمانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. درماندگی این مردمان تنها با ظهور «کالکی» ویرانگر (Kalki) پایان می‌یابد. «ویشنو» (Vishnu) در دهمین تجلی خود، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان بر زمین نمایان می‌شود. بدی را نابود می‌کند و با نابود کردن جهان، آفرینشی دوباره، آغاز می‌شود. قیامت کبری در پایان زندگی یک برهما اتفاق می‌افتد. ویشنو در هیأت «رودر» (Rudra)، جهان را به آتش می‌کشد. خشکسالی عظیمی در جهان به وجود می‌آید. ویشنو ابرهایی می‌آفریند که با بارش مداوم خود آتش را خاموش می‌کنند. کل جهان را آب فرا می‌گیرد و آسمان را در خود غرق می‌سازد. بعد از مدتی طولانی، روح کیهانی بیدار می‌شود و جهان دوباره جان می‌گیرد.

جدول شماره (۲) پایان جهان در اسطوره هند

فرایند	گزارش فرایند
دوره‌های آفرینش	تقسیم آفرینش به چهار دوره، ۴۳۲۰ میلیون سال انسانی طول کشیدن چرخه چهار دوره، تشکیل دادن یک مهایوگا با چرخه چهار دوره، تشکیل کلب از هزار مهایوگا (معادل عمر یک برهما). (دالاپیکولا؛ ۱۳۹۰: ۳۱)
	تقسیم هر مهایوگا به چهار دوره: ۱) دوره کرتایوگا (Krita Yuga، دوره زرین): بر چهار پای خود راه رفتن درمه خدای عدالت و وظیفه، تندرست و خوشنود بودن مردمان، نیایش خدای سیدفام. (ایونس؛ ۱۳۸۱: ۳۹) ۲) دوره تر تایوگا (Treta Yuga): بر سه پای خود راه رفتن درمه، کاهش فضیلت‌ها و شادمانی‌ها نسبت به دوره قبل، در درجه دوم اهمیت قرار داشتن وظایف مردمان، ستیزه جو بودن مردمان، نیایش خدای سرخ‌رنگ. (همان؛ ۴۱: ۳) ۳) دوره دوارایوگا (Dwapara Yuga): بر دو پا راه رفتن درمه، نصف شدن فضیلت و تقوا نسبت به دوره اول، نیایش خدای زردرنگ، گسترش ناخشنودی، فراوانی ستیز و دروغ، پیرو راستی بودن بسیاری از مردم. ۴) دوره کالی‌یوگا، دوره انحطاط (دوران ما): بر یک پا راه رفتن درمه، بی‌یاور بودن درمه، از بین رفتن همه هنرها و فضیلت‌ها مگر یک‌چهارم آن‌ها.
کالکی (قیامت صغری)	دستخوش قیامت شدن جهان در پایان هر دوره (دالاپیکولا؛ ۱۳۹۰: ۳۱)
مهاپرلی Mahapralaya، قیامت کبری کاینات	دهمین تجلی ویشنو در هیأت انسان، نابود کردن بدی، آغاز دوباره آفرینش. (ایونس؛ ۱۳۸۱: ۱۲۶)
	اتفاق افتادن در پایان یک زندگی برهما، تجلی ویشنو در هیأت رودر، ایجاد خشکسالی شدید، به آتش کشیدن جهان، بارش باران و خاموش شدن آتش، فرو رفتن جهان در تاریکی، جذب همه عناصر در آفریننده، بیدار شدن روح کیهانی، طولانی بدون تاریکی جهان، غرق بودن جهان در آب، خلق کاینات از نو (دالاپیکولا؛ ۱۳۹۰: ۷۰ و ۷۱)

۳-۱-۲- پایان جهان در اسطوره اسکاندیناوی

اسطوره‌های اسکاندیناوی در گروه اسطوره‌های اقوام شمالی (نوردیک) قرار دارد. «گریمال» (Grimal) از آن‌ها با عنوان «قلمرو اساطیر ژرمنی» نام می‌برد. این اقوام جمعیت عظیمی را تشکیل می‌دهند که «در جنوب اسکاندیناوی، جزایر بالتیک (Baltic island)، ژوتلند (Jutland) و شمال دشت ژرمن (Germa Plain) از رود راین (Rhine) تا رود ویستولا (Vistula) سکونت داشتند». (گریمال؛ ۱۳۸۹: ۴۱) این اقوام علی‌رغم دشمنی‌های بسیار با یکدیگر، دارای اسطوره‌ها و خدایان مشترکی هستند. ریشه این اسطوره‌ها به «عصر مفرغ باز می‌گردد و تا حدود ۴۵۰ سال پیش از میلاد ادامه داشته است». (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۱۳) این اسطوره‌ها در دوره‌های بعد، درباره داورى نهایی و فرجام جهان «از مسیحیت تأثیر پذیرفته‌اند» (همان؛ ۲۱۱). در اسطوره اسکاندیناوی از «رگناروک» (Ragnarok) به عنوان مصیبت بزرگی در پایان جهان، یاد می‌شود. این حادثه همراه با نشانه‌هایی است: زمستان سخت، کشمکش در سراسر جهان،... تباهی و ویرانی از قلمرو موسپل فرا می‌رسد. «سورت» (Surt، هیولای آتش) از جنوب، همراه با سپاه خود به حرکت درمی‌آید. خدایان در نبرد نهایی از بین خواهند رفت. سورت سراسر زمین را می‌سوزاند و زمین به ژرفای آب‌ها فرو می‌رود. رگناروک به معنای پایان رژیم خدایان کهن است اما به معنی پایان جهان نیست. نوعی عصر طلایی بعد از این دوره فرا می‌رسد. زمین از اعماق آب‌ها سر برمی‌آورد، وحشت و تباهی رخت بر می‌بندد مزارع بدون بذرافشانی سبز می‌شوند. بالدر (Balder) باز خواهد گشت. تنها، درخت جهانی در این حادثه سالم می‌ماند. دو باشنده نر و ماده که در درون درخت جهان پناه گرفته‌اند نیای مردمان جدید می‌شوند.

جدول شماره (۳) پایان جهان در اسطوره اسکاندیناوی

فرایند	گزارش فرایند
نشانه‌ها	مرگ بالدر (روزنبرگ؛ ۱۳۸۶: ۴۰۹)، وقوع سه زمستان مخوف، زناى با مجارم، بی‌رحمی انسان‌ها نسبت به یکدیگر، (همان؛ ۴۱۰)، وقوع جنگ در جهان، به وجود آمدن بلاهای طبیعی، خورده شدن ماه و خورشید توسط گرگ، افتادن ستارگان.
اتفاقی‌های پایانی	آزاد شدن گرگ فنریر (Fenrir Wolf) (بیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۵)، حرکت مار یورمون‌گاند (همان؛ ۸۶)، فرارسیدن آتش از موسپل (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۳)، حمله هیولای آتش، حمله گرگ فنریر، تشکیل شورای خدایان، مغلوب شدن خدایان، آتش گرفتن زمین (بیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۶)، فرو رفتن زمین در آب (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۴) بازگشت جهان به حالتی که در ابتدا داشت (کاوندیش؛ ۱۳۹۰: ۳۲۴)، مجازات قاتلان، زندگی بی‌دغدغه پرهیزگاران، فرارسیدن عصر طلایی (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۵)، سر سبز شدن زمین‌ها بدون بذرافشانی، بازگشت بالدر (بیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۹)، نجات یافتن دو انسان به کمک درخت جهانی (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۵)، متولد شدن نسل جدید بشر. (بیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۹)

۲-۲- تطبیق اسطوره‌ها

حوادث پایان جهان در چهار بخش دسته‌بندی می‌شود: «چرایی اتفاق»، «علایم اتفاق»، «اتفاق پایانی» و «نتیجه حاصل از این اتفاق». خلاصه این مراحل در جدول زیر دسته‌بندی شده است.

جدول شماره (۴) اسطوره‌های پایان جهان

۴	۳	۲	۱	
نتیجه	اتفاق پایانی	علایم	چرایی	
نجات دو انسان و ادامه نسل آن‌ها	ویرانه کامل جهان	مگ‌یک از خدایان	کامل شدن فانیق آفرینش	
خلع کائنات از نو	ناه دی خدایان	وقوع جنگ در جهان	انحطاط اخلاقی آدمیان	
کامل شدن آفرینش	حمله هیولاهای خدایان	دشمنی ناگهانی اجسام	دوره ماه بودن آفرینش	
آغاز عصر طلایی	خاموش شدن سخن شید و ماه	به آتش کشیدن جهان		
ناگسخت جهان به روز اول	شوقه شدن همه جن در آب			
سپیدگی به اعمال انسان‌ها				
				ایران
				هند
				اسکاندیناوی
				فراوانی

۱-۲-۳- ستون یک: چرایی اتفاق

در این ستون، ضرورت‌های پایان دادن به آفرینش نشان داده شده است. دوره‌ای بودن آفرینش و انحطاط اخلاقی آدمیان، از عوامل چرایی این اتفاق است.

اسطوره‌های ایران و هند به طور مستقیم از انحطاط بشر سخن می‌گویند. در این دو اسطوره، جهان به تدریج و طی دوره‌هایی، به سوی پستی پیش می‌رود. اسطوره اسکاندیناوی حرکت به سوی انحطاط را به صورت دوره‌ای بیان نمی‌کند. در این اسطوره تنها از کاهش ارزش‌های اخلاقی سخن می‌گویند؛ در اسکاندیناوی از نشانه‌هایی سخن گفته می‌شود که نشان از انحطاط بشر است. جنگ‌های طولانی، زنا، محارم و بی‌رحمی انسان‌ها همه نشان از افول ارزش‌های اخلاقی است.

در اسطوره‌های ایران آخرین دوره تاریخ، به چهار دوره کوتاه‌تر تقسیم می‌شود و نماد هر کدام از آن‌ها یکی از فلزات است: زر، سیم، روی و آهن. با کاهش ارزش فلزات و تغییر رنگ آن‌ها

ارزش‌ها نیز کاهش می‌یابند. هندیان آفرینش را به چهار دوره تقسیم می‌کنند و در هر یک از این دوره‌ها با کاهش ارزش‌های اخلاقی، رنگ خدای مورد پرستش نیز تغییر می‌کند: خدای سپیدفام، خدای سرخ‌فام، خدای زرد رنگ و خدای سیاه فام. حتمی بودن این اتفاق در اسطوره ایران قابل توجه است. با این اتفاق، آفرینش جهان در اسطوره ایرانی کامل می‌شود.

۲-۲-۳- ستون دو: علائم اتفاق پایانی

به پایان رسیدن جهان در اسطوره ایران، در سه مرحله، اتفاق می‌افتد. در هر مرحله جهان اندکی به سوی دوران زرین پیش می‌رود. ظهور دو منجی اول، پیش‌آزمونی برای رسیدن به تکامل است. منجی اول زمانی ظهور می‌کند که، زندگی خانوادگی پریشان می‌شود و بزرگداشت راستی و «دین بهی» کاهش می‌یابد. تاریکی و تیرگی، زمین لرزه، خشکسالی و جنگ‌ها در زمین به وجود می‌آید. هر سه منجی از نطفه زرتشت‌اند. آمدن هر منجی با نشانه‌هایی همراه است. با تولد هر منجی جهان اندکی رو به کمال حرکت می‌کند در میان هر دوره، کشمکش بین شر و خیر ادامه دارد اما پیروزی از آن خیر است و شر، به آرامی ضعیف می‌شود.

در اسطوره‌های هند، اتفاق خاصی که نشان از شروع پایان جهان باشد ذکر نشده است. تنها چیزی که ذکر می‌شود انحطاط است و این انحطاط وقوع پایان جهان را ضروری می‌کند. در دوره آهن، خدای مورد نیایش رنگی سیاه دارد. «اکثر مردمان «سودره» (Sudra) یا برده‌اند. گناهکار و ستیزه‌جویند. چیزهای بی‌ارزش را ارج می‌نهند. آزمندانه می‌خورند. زنان‌شان کوتاه‌بین، پرگو و هرزه‌اند و بر مردها تسلط دارند و بسیار بچه می‌زایند. از شاهان خود ظلم می‌بینند. ویرانی ناشی از قهر طبیعت و جنگ غلبه دارد. درماندگی این مردمان، با ظهور کالکی ویرانگر پایان می‌یابد.» (ایونس؛ ۱۳۸۱: ۴۱)

در اسکاندیناوی آخر زمان با نشانه‌هایی همراه است: پیش از مرگ بالدر پیشگویی‌هایی شوم، خواب خدایان را آشفته می‌سازد. مرگ بالدر نخستین نشان از راه رسیدن رگناروک است. اتفاقات دیگری نیز در این اسطوره به عنوان نشانه پایان جهان نقل می‌شود؛ غیر از بلاهای طبیعی و جنگ‌های طولانی، ماه و خورشید با هم مسابقه خواهند داد در حالی که گرگ‌ها آن‌ها را دنبال می‌کنند.

۳-۲-۳- ستون سه: اتّفاقات

ستون سه، به اتّفاقات پایانی جهان پرداخته است؛ نابودی کلّ جهان، مشخصه اصلی و مشترک این اسطوره‌هاست.

در اسطوره ایران حادثه‌ای که به عنوان اتّفاق پایانی باشد وجود ندارد. در طول هزاره آخر، اتّفاقات مختلفی روی می‌دهد. ظهور هر منجی علایمی را به همراه دارد. در هر ظهور بخشی از آفریدگان اهریمن از بین می‌روند. زمستانی سخت جهان را فرا می‌گیرد و بخش عمده‌ای از موجودات را نابود می‌کند. اما بعد از ظهور منجی اول و دوم، این خیر است که بر شر پیروز می‌شود. پیش از ظهور منجی سوم دوباره شر به صورت ضحاک قدرت می‌گیرد اما گرشاسب، آن را از بین می‌برد.

در هند از دو نوع قیامت نام برده می‌شود: نوع اول کالکی نام دارد. کالکی در پایان عصر حاضر اتّفاق می‌افتد. در این مرحله از انحطاط، ویشنو در دهمین تجلی خود، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان، بر زمین نمایان می‌شود. بدی را نابود می‌کند؛ با نابود کردن جهان، آفرینشی دیگر آغاز می‌شود تا در مهایوگای آتی، دیگر بار فضیلت‌ها ارزش یابد.

قیامت کبری در اسطوره‌های هند، مهاپرلی نام دارد. مهاپرلی در پایان زندگی یک برهما اتّفاق می‌افتد و در این اتّفاق، «همه عناصر سازنده کاینات، بار دیگر در پیکر آفریننده جذب می‌شوند». (دالاپیکولا؛ ۱۳۹۰: ۳۱) در مهاپرلی، ویشنو در هیأت رودر، تصمیم می‌گیرد جهان را به آتش بکشد. زمین تقریباً به تمامی خشک می‌شود. در پی این خشکسالی هولناک، همه موجودات جان می‌سپارند. ویشنو در هیأت رودر، پتال (Patala) را خاکستر می‌کند. آتش بزرگ به زمین سرایت می‌کند و زمین را کاملاً در کام خود می‌کشد. ابرهایی عظیم به وجود می‌آیند. این ابرها با فروریختن رودهایی از آب، آتش‌های هولناک را خاموش می‌کنند. باران به مدّت یکصد سال بی‌وقفه می‌بارد. کلّ جهان را آب فرا می‌گیرد. جهان در تاریکی پوشیده می‌شود.

اسطوره اسکاندیناوی اتّفاقات پایانی را با شرح و بسط بیشتری بیان می‌کند: «مار جهانی، «یورموندگاند» (Jormungand)، با حالت هجومی از سمت دریا پیش می‌آید. حرکت این مار موجی ایجاد می‌کند که کشتی ناگل‌فار ((Naglfar)، ناخن-کشتی؛ از ناخن‌های گرفته نشده مردگان ساخته شده است) را تق و لق می‌کند. این کشتی حامل غولی به نام «هرایم» (Hrym) است. لوکی (Loki) سکاندار کشتی است.» (پیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۶) آتش از موسپیل که در آغاز آفرینش خاستگاه زندگی است

فرا می‌رسد. (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۳) هیولای آتش از جنوب همراه با سپاه خود به حرکت درمی‌آید. گرگ فنریر حمله می‌کند. در جنگ، خدایان مغلوب می‌شوند. سورت بر سراسر زمین آتش می‌پراکند و همه جا را می‌سوزاند. (پیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۶) و «زمین را به ژرفای آب‌ها پرتاب می‌کند.» (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۴)

۴-۲-۳- ستون چهار: نتیجه حاصل از این اتفاق

در اسطوره ایران، اتفاق پایانی در ادامه روند آفرینش قرار دارد و با این حادثه، فرایند آفرینش کامل می‌شود. در این اسطوره، هدف از آفرینش نابودی شر است. این کار انجام می‌گیرد اما جهان باید به حالت اصلی و نخست خود برگردد. «زمان در سه هزاره، به چرخش در می‌آید.» (وارنر؛ ۱۳۸۹: ۲۶۴) در پایان، هرمزد، اهریمن را به مجازات می‌رساند و جهان در روشنی کامل قرار می‌گیرد. (کمبل؛ ۱۳۸۱: ۴۲)

در اسطوره‌های هند، همان‌گونه که روز برهما از هزار سال بزرگ تشکیل شده است، شب او نیز به همین اندازه طول می‌کشد. در طول شب، جهان در یک اقیانوس پهناور غرق است. در پایان شب، ویشنو در هیأت برهما بیدار می‌شود و کاینات را از نو خلق می‌کند. (همان؛ ۷۱)

در اسطوره اسکانداوی سوگندشکنان و قاتلان مجازات می‌شوند. «بعضی از نویسندگان از آغاز جدیدی سخن می‌گویند که منادی دنیایی جدید و پاک شده از خیانت دنیای کهن است. صحبت از زندگی پرهیزگاران در فضایی شادی‌بخش و گذران بی‌دغدغه زندگی است.» (پیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۸)

رگناروک نوید دهنده آغاز عصر طلایی است؛ رگناروک به معنای پایان رژیم خدایان کهن است اما به معنی پایان جهان نیست. نوعی عصر طلایی بعد از این دوره فرا می‌رسد. (همان؛ ۸۹) «زمین از اعماق آب‌ها سر برمی‌آورد، وحشت و تباهی رخت بر می‌بندد و زمین چون آغاز آفرینش، دیگر بار سبز و زیبا می‌شود.» (دیویدسون؛ ۱۳۸۵: ۲۱۵) «مزارع بدون بذرافشانی سبز می‌شوند بیماران شفا می‌یابند. بالدر باز خواهد گشت و فرزندان خدایان کهن میراث خود را باز پس خواهند گرفت.» (پیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۹)

تنها درخت جهان است که در این حادثه فرو نمی‌افتد. دو انسان به کمک درخت نجات می‌یابند. دو باشنده نر و ماده به نام‌های «لیف» (Lif: زندگی) و «لیفترازیر» (Lifthrasir: زندگی مطلوب) که درون این درخت پناه بسته‌اند، نیای مردمان پس از سر برآوردن زمین از ژرفای آب‌ها، می‌شوند.

(دیویدسون؛ ۱۳۸۵:۲۱۵) «این دو انسان با تغذیه از ژاله صبحگاهی از این سوختن همگانی نجات خواهند یافت و نسل جدید بشر از آن‌ها متولد خواهد شد.» (پیچ؛ ۱۳۸۷:۸۹). فرایند اتفاق پایانی جهان در سه اسطوره در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول شماره (۵) اتفاق پایانی در سه اسطوره

اسکاندیناوی	هند	ایران
مجازات قاتلان	جذب همه عناصر در آفریننده	پیروزی کامل و نهایی خیر
زندگی بی‌دغدغه پرهیزگاران	فرو رفتن جهان در تاریکی	برانگیختن و داوری نهایی مردگان
فرا رسیدن عصر طلایی	طولانی بدون تاریکی جهان	انجام قربان نهایی و کشتن گاو
سر سبز شدن زمین‌ها بدون بدرافشانی	غرق بودن جهان در آب	باززایی جهان
بازگشت بالدر	بیدار شدن روح کیهانی	کامل شدن آفرینش
نجات یافتن دو انسان به کمک درخت جهانی	دوباره جان گرفتن جهان	بازگشت جهان به هیأت پیش از حمله اهریمن
متولد شدن نسل جدید بشر	خلق کاینات از نو	

۳-۲- جمع بندی

اساطیر پایان جهان همانند اساطیر طوفان، درباره ویرانی و نابودی جهان سخن می‌گویند. بین اساطیر طوفان و اسطوره‌های پایان جهان شباهت‌هایی وجود دارد. در اسطوره‌های طوفان، خدایان به عللی، طوفانی می‌فرستند و همه جهان را نابود می‌کنند. اما در این طوفان، موجوداتی جان سالم بدر برده، جهان را از نو می‌سازند. اسطوره اسکاندیناوی در این نقطه، شباهت زیادی با اسطوره‌های طوفان دارد. در این اسطوره، در پایان دو انسان نجات می‌یابند. شباهت زمستان دیو ملکوس در ایران، در دوره جمشید، با این اتفاق نیز قابل توجه است. در این زمستان که از علایم ظهور منجی دوم است فقط کسانی نجات می‌یابند که در قلعه ساخت جمشید پناه گرفته‌اند.

اما تفاوت مهم دو رویداد طوفان و پایان جهان، این است که در اسطوره‌های طوفان، «طوفان با ارتکاب قصوری آیینی که باعث خشم خدایان می‌شود اتفاق می‌افتد اما در اسطوره‌های آخر زمانی، فرتوتی جهان نیز از عوامل مهم در این اتفاق است.» (الیاده؛ ۱۳۸۶:۶۲)

اساطیر پایان جهان از نابودی بشر بر اثر وقوع مصیبت‌هایی حکایت می‌کنند. «بی‌گمان این پایان کار جهان، قطعی و نهایی نبوده است؛ بلکه خاتمه بشریتی بوده است که در پی آن بشری نو پدید

آمده است. این بازگشت به اصل و آفرینش دوباره زمین، در اسطوره‌ها به صورتی نمادین بیان شده است.» (همان: ۶۱)

در اسطوره‌های هند به غیر از برهما و آب، همه چیز نابود می‌شود. در ایران این نابودی برای همه نیست. در اسکاندیناوی، خدایان نیز نابود می‌شوند که به نظر می‌رسد «پایان جهان و محکومیت خدایان، تأییدی بر محدودیت جهان است و این نمی‌تواند فقط شامل میراها شود، بلکه به نیروهایی مربوط است که حتی خدایان در مقابل آن ناتوان‌اند.» (کاوندیش؛ ۱۳۹۰: ۳۲۶) برخلاف اسطوره‌های ایران و هند که خدایان گردانندگان صحنه هستند در اسکاندیناوی، همه حتی خدایان سرنوشتی محتوم دارند و در نبرد پایانی از بین می‌روند و هیچ کس را یارای مبارزه با سرنوشت نیست. فقط، دو انسان به کمک درخت جهانی نجات می‌یابند و عصر طلایی با این دو انسان آغاز می‌شود.

تفاوت دیگر و مهم در اتفاق پایانی جهان این است که «دین بهی، نگرش خوشبینانه‌ای به جهان و کار جهان دارد. زیرا جهان روی در پیشرفت و بهبودی دارد و قهراً به سوی زوال و تباهی نمی‌رود و بدین جهت سرانجام در واپسین نبرد کیهانی، روشنایی ظفر می‌یابد... انسان نیز مکلف است که در این پیکار، مشارکت جوید و از کار جهان کناره نگیرد.» (ستاری؛ ۱۳۸۸: ۱۱۶) در حالیکه در طریق هندی، تنها راه ممکن برای رسیدن به رستگاری، همانا رهایی ذره حیاتی از قید چرخه بیهوده جهان است؛ طریق ایرانی، درست برخلاف آن، تعهد و شرکت خدا و انسان در جهات رسیدن به برقراری سلطنت راستی بر زمین است، هدفی که نه تنها بیهوده و پوچ نیست، بلکه امکان دسترسی به آن نیز وجود دارد. (همان)

از دیگر نکات مهم در اسطوره‌های پایان جهان وجود مبحث رسیدگی به اعمال و مجازات و پاداش است. در اسطوره هند، این رسیدگی به اعمال در کالکی اتفاق می‌افتد. با ظهور ویشنو در کالکی «بدکاران و بددینان مجازات می‌شوند و پاکدینان از نعم اخروی بهره‌مند خواهند گردید. کاینات منهدم خواهند شد. بشریتی تازه و جهانی نو بنیان خواهد یافت.» (شایگان؛ ۱۳۸۹: ۲۷۴) در ایران سوشیانس مردگان را در همان جایی که در گذشته‌اند، برخواهد انگیخت. آنگاه همه مردمان به سوی داوری واپسین پیش خواهند رفت. در اسکاندیناوی نیز، در تالار «ناسترون» (Nastron، سواحل جسد) که درهای آن رو به شمال باز می‌شود سوگندشکنان و قاتلان مجازات می‌شوند.

دوری بودن تاریخ در اسطوره هند حضوری پر رنگ دارد. در هند، «یک پایان قطعی و نهایی جهان به معنای اخص وجود ندارد بلکه فواصلی کمابیش طولانی میان نابودی یک عالم و پیدایی عالمی دیگر است.» (الیاده؛ ۱۳۸۶: ۷۰) اما در ایران، تاریخ دوری نیست بلکه از یک نقطه آغاز و به نقطه دیگر که کمال است، می‌رسد. در ایران جهان کنونی با رستاخیز به پایان می‌رسد. الیاده در تحلیل رستاخیز در جهان‌بینی ایرانی، از تکرار نشدن تاریخ و جاودانه نبودن آن سخن می‌گوید. تاریخی که رستاخیز پایان آن است. (الیاده؛ ۱۳۹۰: ۱۳۳) اما داوری مردگان می‌تواند دلیلی بر ادامه‌دار بودن تاریخ باشد. ادامه‌دار نبودن تاریخ لزوم داوری را زیر سؤال می‌برد. عقاب گناه‌کاران «عموماً آفرینش بشریت نوینی را به دنبال آن ایجاب می‌کند». (همان؛ ۱۳۸۶: ۶۴)

آخرین اتفاق در اسطوره‌های پایان جهان، آغاز عصری طلایی است. از ویژگی‌های مهم در آغاز این عصر طلایی، زندگی پرهیزگاران و نبودن هیچ غم و ناراحتی است. نبودن غم و ناراحتی و مرگ، و هستی یافتن زمین و آسمان تازه در روایات آخر زمانی یهودیت و مسیحیت نیز دیده می‌شود. (همان: ۷۳) هر چند نمی‌توان بطور قطع در مورد اثرپذیری دین و اسطوره از یکدیگر سخن گفت اما آنچه مشخص است این دو رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند. در اسکاندیناوی «مصیبت رگناروک شاید نه نهایت، بلکه بدایت هستی جدید و شکوهمند بوده باشد». (کاوندیش؛ ۱۳۹۰: ۳۲۶) سرسبز شدن زمین‌ها بدون بذرافشانی از نشان‌های این عصر زرین است. (پیچ؛ ۱۳۸۷: ۸۹) در ایران، از کامل شدن آفرینش سخن می‌گویند که مساوی است با بازگشت جهان به عصر پیش از حمله اهریمن. وضعیتی که تمام آفریدگان در حالت «بی‌اندیشه، بی‌حرکت و ناملموس بودند». (فرننخ-دادگی؛ ۱۳۹۰: ۳۸) در اسطوره هند همه چیز نابود می‌شود و جهانی از نو آفریده می‌شود که احتمالاً جهان آفریده شده، باید در وضعیت دوره کرتایوگا باشد: «دوره زرینی است که طی آن درمه خدای عدالت و وظیفه، بر چهار پای خود راه می‌سپرد؛ مردمان خشنود، تندرست و دارای فضیلت‌اند و تنها خدایی سپیدفام را نیایش می‌کنند.» (ایونس؛ ۱۳۸۱: ۳۹)

از دیگر نکات مشترک در اسطوره‌ها، بازگشت جهان به ابتدای خود و روز اول آفرینش است. در هند جهان در تاریکی و از آب شروع می‌شود. در یکی از اسطوره‌های آفرینش هند آمده است: «دریای آشوب اوکیه و برهما وجود دارد.» (بیرلین؛ ۱۳۸۹: ۵۲) در روایتی دیگر اشاره می‌شود: «در آغاز هر گردش دورانی آفرینش، آب‌های سیلابی بزرگ، جهان را در خود می‌گیرد.» (ایونس؛ ۱۳۸۱: ۴۳) این نکته قابل مقایسه است با: «در پایان شب او، ویشنو در هیأت برهما بیدار

می‌شود و کاینات را از نو خلق می‌کند.» (دالاپیکولا؛ ۱۳۹۰: ۷۱) در ایران بر این باورند که «رستاخیز، در نوروز یعنی در آغاز دوره جدیدی از زمان، روی می‌دهد.» (الیاده؛ ۱۳۹۰: ۷۶) آغاز آفرینش جهان نیز در این روز اتفاق افتاد. (فرنیغ‌دادگی؛ ۱۳۹۰: ۴۱) قرار داشتن آغاز این دو رویداد در روز آغازین سال و نوروز ارتباط معناداری با باززایی و از نو خلق شدن جهان در رستاخیز دارد. در اسکاندیناوی نابود کننده جهان از همان نقطه‌ای پیش می‌آید که آفرینش از آن نقطه شروع شد. «در تلاقی‌گاه دو سرزمین سرد و گرم، آفرینش شروع می‌شود.» (همیلتون؛ ۱۳۸۳: ۴۳۱) همانطور که در آغاز، گرما و سرما حیات را آغاز می‌کنند، گرما و سرما سرانجام، با هم می‌آمیزند تا حیات را نابود کنند. زمین مانند کشتی سوزان طعمه آتش می‌شود و زیر امواج فرو می‌رود. (ر.ک. وارنر؛ ۱۳۸۹: ۳۹۲)

۳- نتیجه

- ۱- حرکت دوری آفرینش دلیل اصلی وقوع حادثه پایان جهان است. در این اسطوره‌ها انحطاط جهان به درجه‌ای می‌رسد که خدایان چاره را در، آفریدن جدید می‌بینند. این پایان اغلب در اسطوره‌های هند یک فرایند همیشگی است و بارها اتفاق می‌افتد. با پایان یافتن جهان، دوباره عصر طلایی آغاز می‌شود و این اتفاق پایانی، به نوعی نوسازی جهان است. عصری نو آغاز می‌شود و اقتدار به قبیله باز می‌گردد و انسان‌های جدید به وجود می‌آیند. رسیدگی به اعمال انسان‌ها، در اسطوره‌های ایران، اسکاندیناوی و کالکی هند دیده می‌شود.
- ۲- این رویداد، پایان جهان نیست آن نوع بازسازی یا بازآرایی جهان است. چرخه زندگی و مرگ یک چرخه دایم است و پایان جهان، پایان آفرینش نیست. این اتفاق پایانی، به نوعی نوسازی جهان است. هر چند در ایران، این نوسازی نوعی بازگشت به روزهای آغازین جهان است. در هر سه اسطوره، جهان تازه می‌شود و عصر طلایی آغاز می‌شود. در ایران، این جهان مطلوب همان جهان ایستای قبل از حمله اهریمن است. در ایران پایان جهان برای کمال آفرینش است یعنی با نابودی اهریمن جهان به کمال می‌رسد. باززایی در هند و اسکاندیناوی همراه با مصیبت‌هایی است. همه چیز باید نابود شود تا جهانی نو و تازه ساخته شود. اما در ایران این آفریده‌های اهریمن هستند که کاملاً نابود می‌شوند. اسطوره‌های پایان جهان اغلب به بازآفرینی

دوباره ختم می‌شوند و پایانی که دیگر آغازی برای آن نباشد در کمتر جایی دیده می‌شود. این آغاز نیز یک آغاز بهشتی است؛ نه بیماری خواهد بود و نه پیری و نه مرگ.

۳- انسان در اسطوره‌های هند، ایران و اسکاندیناوی، به آرامی به سوی انحطاط پیش می‌رود.

۴- وجود عناصر مشترک و مشابه در اساطیر اقوام مختلف بیانگر وجود عناصر مشترک در بیرون و درون انسان‌اند، اما، از طرف دیگر، وجود اختلاف در اساطیر اقوام و ملل مختلف بیانگر این است که مسائل مشترک درونی و بیرونی انسان‌ها بر اثر وجود شرایط متفاوت تاریخی و محیطی، به اشکالی گوناگون ظاهر می‌شوند؛ به هر حال، نظام اسطوره‌ای هر قومی در حد خود، نظامی جامع است و به صورت جهان‌شناسی و خویش‌شناسی فرد و گروه، ارتباط فرد و جامعه را با یکدیگر و با طبیعت و زندگی مادی و معنوی تنظیم می‌کند.

۴- منابع

- ۱- الیاده، میرچا؛ چشم‌اندازهای اسطوره؛ چاپ دوم؛ ترجمه جلال ستاری؛ تهران: توس، ۱۳۸۶
- ۲- -----؛ اسطوره بازگشت جاودانه؛ چاپ سوم؛ ترجمه بهمن سرکاراتی؛ تهران: طهوری، ۱۳۹۰
- ۳- ایونس، ورونیکا؛ شناخت اساطیر هند؛ چاپ دوم؛ ترجمه محمدحسین باجلان‌فرخی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۱
- ۴- بارانی، محمد؛ احسان خانی‌سومار؛ بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند؛ فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال پنجم، شماره هفدهم، دانشگاه سیستان و بلوچستان: صص ۲۶-۷، ۱۳۹۲.
- ۵- بهار، مهرداد؛ از اسطوره تا تاریخ؛ چاپ هفتم؛ تهران: چشمه، ۱۳۹۰
- ۶- بیرلین، ج.ف؛ اسطوره‌های موازی؛ چاپ دوم؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: مرکز، ۱۳۸۹
- ۷- پیچ، ری؛ اسطوره‌های اسکاندیناوی؛ چاپ سوم؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: مرکز، ۱۳۸۷
- ۸- ترقی، گلی؛ میرچا الیاده و هستی‌شناسی آغازین؛ کلک: شماره ۱۷، صص ۵۴-۴۱، ۱۳۷۰
- ۹- دالاپیکولا، آنا ال؛ اسطوره‌های هندی؛ چاپ دوم؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: مرکز، ۱۳۹۰

- ۱۰- دیویدسون، ه. و. آلیس؛ شناخت اساطیر اسکاندیناوی؛ چاپ اول؛ ترجمه محمدحسین باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۵
- ۱۱- رضایی، مهدی؛ آفرینش و مرگ در اساطیر؛ چاپ دوم؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۴
- ۱۲- روزنبرگ، دانا؛ اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها (جلد یک)؛ چاپ دوم؛ ترجمه عبدالحسین شریفیان؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۶
- ۱۳- ستاری، جلال؛ جهان اسطوره شناسی ۱۰، اسطوره ایرانی؛ چاپ دوم؛ تهران: مرکز، ۱۳۸۸
- ۱۴- شایگان، داریوش؛ ادیان و مکتب‌های هند (جلد یک)؛ چاپ هفتم؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹
- ۱۵- فرنبرگ دادگی؛ بُندهش؛ گزارنده مهرداد بهار؛ چاپ چهارم؛ تهران: توس، ۱۳۹۰
- ۱۶- صانع پور، مریم؛ اسطوره‌شناسی تطبیقی در سنت فرهنگی غرب؛ نشریه غرب شناسی بنیادی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سال دوم، شماره اول، صص ۳۸-۲۵، ۱۳۹۰
- ۱۷- کاوندیش، ریچارد؛ اسطوره شناسی: دایره المعارف مصور اساطیر و ادیان؛ چاپ دوم، ترجمه رقیه بهزادی؛ تهران: علم، ۱۳۹۰
- ۱۸- کمبل، ژوزف؛ اساطیر ایران و ادای دین؛ چاپ اول؛ ترجمه ع.ا. بهرامی؛ تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱
- ۱۹- گریمال، پی‌یر؛ اساطیر جهان (۵)؛ چاپ اول؛ ترجمه مانی صالحی علامه؛ تهران: مهاجر، ۱۳۸۹
- ۲۰- وارنر، رکس؛ دانشنامه اساطیر جهان؛ چاپ چهارم؛ ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور؛ تهران: اسطوره، ۱۳۸۹
- ۲۱- همیلتون، ادیت؛ سیری در اساطیر یونان و روم؛ چاپ دوم؛ ترجمه عبدالحسین شریفیان؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۳
- ۲۲- هینلز، جان راسل؛ شناخت اساطیر ایران؛ چاپ سیزدهم؛ ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی؛ تهران: چشمه، ۱۳۸۷.
- ۲۳- هوک، سیمونل هنری؛ اساطیر خاورمیانه؛ چاپ چهارم؛ ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور؛ تهران: روشنگران، ۱۳۹۱.

